برگزاری اردوی یک روزه دانشجویان دانشکده سما

دانشکده فنی و حرفه ای سما واحد کازرون اقدام به برگزاری یک اردوی یک روزه برای دانشجویان دختر به مقصد شیراز و مرودشت نمود.

در این برنامه فرهنگی و تفریحی گروهی از دانشجویان دختر به سرپرستی مسئول فرهنگی دانشکده از اماکن تاریخی مرودشت و شیراز از جمله تخت جمشید ، آرامگاه سعدی ، باغ دلگشا و خانه زینت الملک دیدن و با دوران تاریخی و شخصیت های برجسته علمی ، فرهنگی و هنری از نزدیک آشنا شدند .

ابلاغ وقت رسیدگی

به موجب کیفر خواست شماره ۹۳۱۰۴۳۷۱۸۰۰۰۰۲۵۲ صادره از شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب کازرون در پرونده کلاسه ۹۳۰۱۷۱ برای سعید ابوالقاسم زاده فرد فرزند علی تقاضای کیفر نموده که پس از ثبت در شعبه ۱۰۳ جزایی وقت رسیدگی برای مورخه ۹۳/۴/۱۴ ساعت ۱۰:۳۰ تعیین گردیده با عنایت به متواری بودن و مجهول المکان بودن و عدم دسترسی به متهم در اجرای مقررات مواد ۱۱۵ و ۱۸۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب یک نوبت منتشر تا متهم جهت دفاع از اتهام انتسابی در وقت مقرر حاضر گردد بدیهی است در صورت عدم حضور مطابق مقررات رسیدگی غیابی به عمل خواهد آمد

مدیر دفتر شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی جزایی شهرستان کازرون

۳۵۷ / م الف
۳/۴۰۲

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

بدینوسیله به مهدی رنجبر فرزند محمد ابلاغ می گردد بموجب دادنامه شماره ۳۷۳ - ۹۲/۱۱/۳۰ در پرونده کلاسه ۹۲/۲۸۳ شعبه اصناف بخواسته پرداخت مبلغ پنجاه میلیون ریال و هزینه دادرسی به مبلغ یکصد هزار ریال و حق الوکاله و تأخیر تأدیه از ۹۲/۹/۹ الی یوم الوصول محکوم به پرداخت مبلغ پنجاه میلیون ریال و هزینه دادرسی به مبلغ یکصد هزار ریال و حق الوکاله و تأخیر تأدیه از ۹۲/۹/۹ الی یوم الوصول و در حق خواهان سیروس اسدپور با وکالت محمد ظاهر عرب گردیده اید بلحاظ غیابی بودن رأی صادره می توانید ظرف بیست روز از تاریخ انتشار آگهی تقاضای واخواهی نمائید و سپس ظرف ۲۰ روز پس از آن قابل تجدید نظرخواهی در محاکم عمومی حقوقی شهرستان کازرون می باشد. ۳۴۰ /م الف

عباس راسخی رئیس شورای حل اختلاف شعبه اصناف کازرون

۳/۳۸۴

آگهی

۳/۳۹۱

بتاریخ فوق ۹۳/۲/۲۹ در وقت فوق العاده جلسه شعبه دهستان اردشیری تشکیل است. پرونده کلاسه فوق ۹۲/۶۰۳ از دفتر شورا واصل و تحت نظر قرار گرفت. با بررسی محتویات پرونده و نظریه مشورتی شورا ختم رسیدگی اعلام و مبادرت به صدور رأی می گردد. شماره دادنامه ۱۰۷

رأی قاضی شورا

در خصوص دادخواست علی هوشمندی با وکالت یوسف هوشمندی به طرفیت غلامحسین عمادی به خواسته مطالبه بیست میلیون ریال طی چک های شماره ۲۳۵۸۲۹-۹۲/۳/۳ و ۲۳۵۸۲۸-۹۲/۳/۱ با توجه به مجموع محتویات پرونده و کپی لاشه های چک به شماره های فوق الذکر و گواهی های عدم پرداخت با عنایت به نظریه مشورتی اعضای شورا به شرح صورتجلسه مورخه ۹۳/۲/۲۹ و نظر به اینکه خوانده علیرغم ابلاغ قانونی و رعایت انتظار کافی در جلسات رسیدگی شورا حاضر نشده و در مقابل دعوی خواهان دفاعی به عمل نیاورده لذا دعوی خواهان وارد تشخیص و مستنداً به ماده ۱۱ قانون شوراهای حل اختلاف و مواد ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال به انضمام هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چک ها ۹۲/۳/۱ تا یوم الاجرا در حق خواهان صادر و اعلام می گردد رأی صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و ظرف مدت ۲۰ روز پس از آن قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی حقوقی چنارشاهیجان می باشد. ۳۴۴/م الف

قاضی شورای حل اختلاف اردشیری

آگهی مزایده اموال غیر منقول

اجرای احکام شعبه اول دادگاه حقوقی کازرون به موجب محتویات پرونده اجرایی ۸۹۰۱۴۵ موضوع مطالبات آقای طمراس رحمان زاده فرزند شگراله به طرفیت ایرج محمدی فرد فرزند هاشم و بنا به تقاضای محکوم له و فصل سوم قانون اجرای احکام مدنی راجع به فروش اموال غیر منقول مبادرت به فروش ۱۷۴۷۷/۵۵ سهم مشاع از سه دانگ مشاع از ۲۸۷۸۵ سهم از ششدانگ سند ثبتی تحت پلاک ثبتی ۱۶۴ فرعی از ۹۳ واقع در قطعه ۴ بخش ۷ فارس واقع در جاده کازرون به بوشهر پارکینگ روبروی جاده احمد آبادادریس جنب تلمبه دلپذیر می نماید پلاک فوق که توسط ارزیاب مورد روئیت و هر سهم آن ۴۵/۰۰۰ ریال و به مبلغ کل ۷۸۶/۴۸۹/۷۵۰ ریال قیمت گذاری گردیده است که از طریق مزایده به فروش می رسد لذا به اطلاع عموم می رساند کسانیکه مایل به خرید باشند روز چهارشنبه رأس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۳/۴/۱۱ در این اجرا حاضر گردند مزایده بر مبنای قیمت پایه تعیین شده توسط کارشناس شروع می گردد و شخصی که بالاترین قیمت پیشنهادی را ارائه نماید برنده مزایده خواهند بود که می بایست ده درصد قیمت خرید را تا آخر وقت رسیدگی به حساب سپرده دادگستری به شماره ۲۱۷۱۳۵۳۱۹۴۰۰۹ واریز و چنانچه متقاضی از تقاضای خود مبنی بر خرید منصرف شوند وجه تودیعی به نفع دولت ضبط خواهد شد و حضور متقاضیان در جلسه آزاد خواهد بود و محکوم له نیز مثل سایرین می تواند در جلسه شرکت نماید و درخواست کنندگان می توانند تا پنج روز قبل از وقت مقرر فوق جهت اطلاع بیشتر و در صورت لزوم مشاهده ملک مذکور به این اجرا مراجعه تا با هماهنگی محکوم له ملک را روئیت نمایند این آگهی به موجب ماده ۱۱۸ قانون اجرای احکام مدنی برای یک نوبت در یکی از روزنامه های محلی منتشر خواهد شد.

مدیر اجرای احکام شعبه اول حقوقی کازرون

۳۶۱ / م الف
۳ / ۴۰۶

آگهی ابلاغ اجرائیه

بموجب اجرائیه شماره ۳۷۶ مورخ ۹۲/۹/۲۹ صادره از شعبه دوم شورای حل اختلاف کازرون که طی دادنامه شماره ۳۷۶ - ۹۲/۹/۲۹ شعبه دوم دادگاه حقوقی ـــــ قطعیت یافته محکوم علیه پیمان عالی پور فرزند ایرج محکوم است به پرداخت مبلغ بیست و هفت میلیون ریال با احتساب کلیه خسارات دادرسی اعم از خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ۹۱/۱/۳۱ لغایت یوم الوصول و پرداخت نیم عشر به عهده محکوم علیه می باشد در حق محکوم له غلامرضا نصر پور بدینوسیله ابلاغ می شود که ظرف ده روز از تاریخ درج آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام والا برابر مقررات قانونی حکم مزبور اجرا خواهد شد.

رئیس شورای حل اختلا ف شعبه دوم کازرون

۳۵۸ / م الف
۳/۴۰۳

آخ شرمنده .....

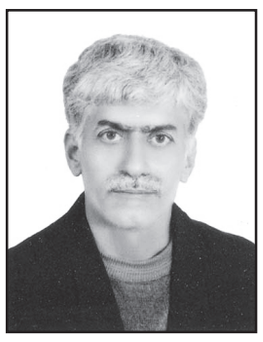

درمسافرتی با جوانی همسفر شدم که برخلاف هم سن و سال هایش افسرده و غمگین بود. اول خیال کردم شاید به خاطر فاصله زیاد سن و سالمان باشد. زیرا من هم سن پدرش بودم به همین جهت پیش خودم گفتم اگر من نیز هم سن و سال او بودم شاید تا به حال باب گفتگو و احیاناً بگو و بخند باز شده بود. باز به خود گفتم آیا حتماً باید سن و سالمان وجه مشترک باشد تا باب گفتگو باز شود؟ شاید ما همشهری یا هم دین باشیم شاید هم فکر یا همکار باشیم اصلاً همین قدر که از یک مبدأ همسفر شده ایم خودش یک وجه اشتراک است حال اگر مقصدمان نیز یکی باشد چه بهتر. این بود که وقتی حوصله ام از سکوت و قیافه اخم کرده و غمگینش اش سر رفت پرسیدم شما هم به .... می روید؟ جواب داد بله. گفتم به نظرم دانشجو هستی. درست حدس زدم؟ جواب: خیر. گفتم: پس لابد فارغ التحصیل شده ای. درست است؟ جواب داد: خیر. گفتم نکند خدا نکرده بیمار هستی یا برای عیادت بیمار می روی درست است؟ باز هم مثل سوال های قبل جواب یک کلمه ای داد و گفت: نه. دیگر داشت حوصله ام را سر می برد و نزدیک بود. بپرسم پس چه مرگت شده که این همه ساکت و غمگینی؟ اما باز هم خودداری کردم و پس از دقایقی سکوت خودم شروع به حرف زدن کردم و گفتم شما جوانان اول زندگی تان است. هنوز آلوده گناه نشده اید پس باید قدر خود را بدانید و نگذارید در دام های شیطان و دشمن شیطان صفت گرفتار شوید. با گفتن این جمله با اعتراض گفت: تو را به خدا سر به سرم نگذار. بگذار به حال خود بمیرم. عذر خواهی کردم و گفتم: ببخشید قصدم ناراحت کردن شما نبود. دیدم بدجوری غمگین هستی خواستم تو را از افسردگی درآورم این بار در جوابم در حالی که اشک می‌ریخت این ترانه زیر لب زمزمه کرد:

مستی هم درد منو دیگه دوا نمی کنه غم با من زاده شده دیگه رها نمی کنه

گفتم: نه پسر خوب. این حرف ها چیست که می زنی؟ غم دایمی مال کسی است که از لطف و رحمت خدا ناامید باشد. ما خدایی داریم که بدترین گناهان ما را به شرط توبه می بخشد. اگر هم تنها شده ای بدان که به قول یکی از بزرگان: اگر تنهاترین تنها شوم باز هم خدا هست. گفت: من چنان شرمنده یکی از بستگان نزدیک شده ام که تا آخر عمر قادر به نگاه کردن در صورت او نیستم آن هم کسی که همیشه پشتیبان من بود. آنگه شما صحبت بخشندگی خدا می کنید. الحق که دلت خوشه. با این صحبت، کنجکاو شدم که بدانم قضیه چیست که به چنین مرحله ای از یأس و ناامیدی رسیده است. کمی که فکر کردم یاد آمد وقتی می خواهی کسی را به حرف بیاوری باید با او همدردی کنی. این بود که گفتم: حق با شماست درکت می کنم. می دانم چه می کشی. ما هم این دوران را طی کرده ایم اما چه می توان کرد؟ گاه تنها درمان مشکلات ناعلاج بی خیالی است اگر بی خیالش نشوی مشکلات دیگر هم بوجود می آید اصلاً مثل اینکه سختی ها هم زاد و ولد می کنند و قدرت تولید مثل و تکثیر دارند.

یکی اش چند تا می شود، چند تایش خیلی می شود. پس همان بهتر که جلو ازدیادش را بگیریم و نگذاریم بیشتر بشود. بقول شاعر:

گرنکوبی شیشه غم را به سنگ هفت رنگش می شود هفتاد رنگ

در جواب گفت: درست مثل موقعیت کنونی من که حالا چند تا شده. گفتم: پس اراده کن نگذار بیشتر شود وگرنه خدایی نکرده نابود می شوی و باقی عمرت هم هدر می رود. تا دیر نشده جلو وخیم ترشدن حالت را بگیر. در پاسخ گفت: یک کارهایی هم کرده ام اما نمی دانم تا چه حد می تواند مفید و مؤثر باشد. گفتم: اگر کارهایی که کرده ای سنجیده و حساب شده انجام داده ای خیلی خوب و مؤثر خواهند بود اما اگر احساساتی و جوگیر شده ای یا در حالت خشم و عصبانیت کار کرده ای بد بوده و فایده که ندارد، زیان هم دارد. حالا ممکن است بگویی چه کار کرده ای تا نظرم را در مورد آن بگویم آنگاه گفت: شنیده بودم که می گفتند: هدف وسیله را توجیه نمی کند و مسلمان باید هر کار خوبی هم که می خواهد انجام دهد باید از راه صحیح باشد نه راه‌های نادرست مانند خطا و گناه یا حتی راه هایی که ممکن است به جرم و گناه منجر شود. تا اینکه در آن شب لعنتی، آن حادثه شوم رخ داد. پرسیدم ممکن است واضح تر بگویی؟ گفت: سال ها من و دختر یکی از بستگان نزدیک به هم علاقه داشتیم. اولش که با پدر و مادرمان درمیان گذاشتیم به تمسخر گرفتند و خندیدند و گفتند شما هنوز بچه هستید و دهانتان بوی شیر می دهد مدتی بعد که بزرگتر شدیم گفتند باید فارغ التحصیل شوید. بعد از فارغ التحصیل شدن هم گفتند سربازی نرفته ای، بعد از سربازی هم گفتند شاغل نیستی، شاغل شدم، گفتند با کدام اندوخته می خواهی زن بگیری، ازدواج خرج دارد. داشتم دو شیفته کار می کردم تا بهانه اندوخته هم رفع شود که شنیدم می خواهند او را بر خلاف میل خودش و مادرش نامزد کنند این بود که به فکر چاره افتادم. روزی هزار جور فکرهای مختلف به ذهنم می‌رسید. تا اینکه همگی در جشن عروسی یکی از فامیل های مشترکمان شرکت کردیم. تا قبل از صرف شام مجلس زنانه و مردانه جدا بود اما بعد از شام پای کوبی و بزن و برقص راه افتاد و مرد و زن قاطی شدند. زنان و دختران نیمه عریان و آرایش کرده با هزار عشوه و ناز با مردان غریب می رقصیدند و عقل و هوش را از همگان می ربودند. دختر مورد نظرم هم مدام می دیدم و هر بار که همدیگر را می دیدیم آتش عشق درونمان شعله ورتر می شد و جسم و جانمان را می سوزاند. در همان حال فکری همچون جرقه ای به ذهنم رسید و آن اینکه او را بربایم. موضوع را با یکی از دوستانم که در آن مجلس حضور داشت در میان گذاشتم و قرار شد با کمک او دختری را که سال های زیادی از عمرم را در انتظار وصالش سپری کرده بودم بربایم و کاری کنم که خانواده‌هایمان در مقابل عمل انجام شده قرار گیرند. به همین منظور اینگونه قرار گذاشتیم که ابتدا دوستم برق مجلس را قطع کند و سپس ماشینش را روشن و آماده کند تا من نیز دختر را بربایم و کاری کنم که او را به کسی جز من نتوانند شوهر دهند.

همه چیز طبق برنامه پیش رفت و همین که برق قطع شد و همه جا تاریک شد از فرصت استفاده کردم از پشت سر با یک دست دهانش را بستم و با دست دیگر او را از جا کندم و از آن محیط دور شدم. هنوز لامپ و روشنایی های اضطراری به کار نیافتاده بودند که او را با خود به درون ماشین دوستم بردم و هنوز درب خودرو را نبسته بودم که اتومبیل حرکت کرد و دخترک بیچاره که هنوز نمی دانست چه اتفاقی افتاده و توسط چه کسی ربوده شده هر چه تقلا کرد اعتنا نکردم. اتومبیل در آن خلوت نیمه شب با سرعت باد در حرکت بود و به زودی به خانه رسیدیم. دوستم که کلید خانه را به او سپرده بودم درهای خانه را گشود و خودش برگشت. آنگاه دختر را در حالی که هنوز دهانش را محکم با دستم بسته بودم وارد اتاق نمودم و در را با پا بستم و با فشار شانه ام بر کلید برق محیط خانه اتاق روشن شد. او را بر روی تختخوابم انداختم اما با نگاه به چهره او ناگهان گویی همه دنیا بر سرم خراب شد زیرا کسی را که با آن همه زحمت ربوده بودم دختر مورد نظرم نبود بلکه مادرش بود! یعنی تنها کسی که با ازدواج ما موافق بود. وقتی متوجه شدم به جای دختر مادرش را ربوده ام چنان شوکی بر من وارد شد که حتی نتوانستم بگویم: آخ شرمنده. لذا مادر که از اصل قضیه بی خبر بود از خانه فرار کرد و من نیز بر اثر شوک وارد شده قادر به جلوگیری او نبودم تا آنکه پس از لحظاتی به خود آمدم و بی آنکه درها را ببندم دوان دوان پشت سرش رفتم تا نکند حالا که به خیال خود از دام من رسته در آن نیمه شب آن هم با آن حالت نیمه عریان در دام مردان هوس باز افتد. از قضا در راه بعضی می پنداشتند قصد مزاحمت و آزار او را دارم اما هر بار تا می خواستم به آن ها بفهمانم که قضیه چیست کلی کتک نوش جانم می‌شد. تا اینکه گشت پلیس ما را دید و هر دو نفر ما را به پاسگاه برد و تا صبح بازداشت بودیم. صبح با مراجعه شوهرش فقط او را آزاد کردند و مرا به جرم آدم ربایی که جرم سنگینی است با تن کبود و کتک خورده به دادسرا بردند. سرانجام با وساطت بزرگان فامیل و با گرفتن هزرا و یک جور تعهد کتبی و هزاران شرط و شروط شفاهی رضایت دادند اما مدتی جرم دولتی زندانی کشیدم و با انواع مجرمان جور واجور به سر بردم و آرزوی وصال دختر دلخواهم نیز برای همیشه بر دلم ماند زیرا از آن پس مادرش که با ازدواج ما موافق بود به جمع مخالفان پیوست و دختر هم متقاعد شد که با مردی دیگر ازدواج کند در نتیجه برای رهایی از درد و غم جانکاه خود به مخدرات و مسکرات پناه بردم اما بعد که دیدم که پناه بردن به مخدرات و مسکرات خود اشتباهی دیگر است و هر یک به تنهایی خود مشکلی جدید بر مشکلاتم افزوده اند به کمک خانواده‌ام ترک کردم و اکنون به سفارش مشاور و اصرار خانواده به مسافرت می روم تا چند روزی با برادرم به سر ببرم شاید از آلام و غصه هایم کاسته شود. اتوبوس به مقصد رسید و پیش از خداحافظی او را به توبه و پناه جستن به خدا سفارش کردم و تأکید کردم که علاج درد همه دردهای لاعلاج نزد خداست به خدا پناه ببر و از او طلب یاری کن به یقین مشکلاتت به گونه ای باور نکردنی رفع خواهد شد.

نام این داستان :آدم ربایی

به قلم محمد جعفر مبصری

ورزشکاران و ورزش کازرون در ۶۰سال گذشته؛
تالار افتخارات ورزش کازرون (محمدرضا راسخ)

محمد رضا پولادی
kazeroonsportblogfa.com

یکی از چندین خانواده ورزشی کازرون بدون هیچ تردیدی خانواده ورزشکارپرور راسخ بوده که هر کدام از آنها بنوبه وجای خود زحمات زیادی برای اعتلای فوتبال کازرون کشیده اند.

محمدرضا راسخ

متولد:۱۳۸۸-کازرون

عضوباشگاه های پاسارگاد -رستاخیزو انقلاب کازرون

افتخارات ورزشی:قهرمان جوانان فارس(۱۳۵۵)-مقام سوم جوانان فارس (۱۳۵۶-آباده)- قهرمان جوانا ن کازرون (۱۳۵۵-۱۳۵۶)-قهرمان اولین دوره جام شهدا (۱۳۵۸)-قهرمان باشگاه های کازرون (۱۳۶۹-۱۳۶۷-۱۳۶۶-۱۳۵۹)-نایب قهرمان باشگاه های کازرون(۱۳۶۵-۱۳۶۱-)بیش از ده سال عضوتیم منتخب کازرون درزمان های نچندان دور در کازرون هرمحله دارای تیم فوتبال وزمین خاکی برای تمرین ومسابقه داشت تا بزرگانی را در خود پرورش داده وبه فوتبال وورزش کازرون تحویل دهند.بزرگانی که با گذر زمان هنوز یاد وخاطرشان برای علاقمندان ورزش زنده و پابرجاست.

محمدرضا راسخ که در نزدیکی یکی از این زمینها وباشگاه معتبر نیرو بدنیا پا گذاشته بود خیلی زود جذب این رشته ورزشی مهیج شد تا از نزدیک شاهد بازی های زیبای بازیکنان همچون منصورعباسی،زنده یاد نادرامینی ،عباس راسخ‌ها شود.

در دوران راهنمایی دانش آموزمدرسه راهنمایی قدسی بودولی عمده فعالیتش در دوران دبیرستان وبا دبیرستان بزرگ مجرد آغازشددرهمین ایام عده ایی از بازیکنان تیم نیرو از این تیم جداشده تشکیل تیم نوپایی بنام پاسارگاد داده بودندومحمدرضا را نیز جذب این تیم کردند تا اولین باشگاه رسمی اش پاسارگاد نام بگیرد.درخشش وی در فوتبال مدارس باعث گردید تا مربیان منتخب مجاب شوند نامش را درفهرست منتخبین قرارداده وفوتبال کازرون را از داشتن بازیکنی بزرگ بهره مندسازند.

محمدرضا راسخ در تیم پاسارگاد(فرسوم ایستاده از سمت راست)

بعداز یکی دوسال حضور درپاسارگاد به تیم پرقدرت نیرو که با نام رستاخیز ادامه فعالیت میداد پیوست وتا آخرین روزفعالیتش در این تیم ماند گارشد. تکنیک وتعصب درکنار دوندگیهای بی امان واخلاق عالیش همگی دست به دست هم داد تا نام خودرا در زمره بهترین هافبک های تاریخ فوتبال کازرون،جاودانه کند.

راسخ بهترین بازی خودرا در فینال جوانان سال ۱۳۵۶ مقابل تیم میزبان ،لار میداندومصدومیتش که منجر به پارگی مینسک داخلی زانو راستش شدرا بدترین وتلخترین خاطره دوران ورزشی خودمیداند. تلاش های وتعصب وی ویارانش در تیم باشگاهی باعث شد تا سال های مدیدی تیم انقلاب از بهترین وپرافتخارترین تیم های باشگاهی فوتبال کازرون در دوران طلایی خودباشد.وی از سال ۱۳۵۶ نزدیک به یک دهه در تمامی رده لباس تیم منتخب کازرون از منتخب مدارس تا جوانان وبزرگسالان را برتن کرد وافتخارات فراوانی را برای ورزش کازرون به ارمغان آورد.درکنار بازی های زیبا او اخلاق ومنش این پیشکسوت فوتبال کازرون نیز زبانزد عام وخاص بود.

منتخب کازرون در سال ۱۳۶۰ :ایستاده از راست:رحیم برزگر- حمید فروغی-سعیدچوبدار-کریم رنجبر- حبیب جمالی- عباس پسندیده
نشسته از راست:ابراهیم احدی-مصطفی توان- قاسم ریحانی- محمدرضا راسخ ومسعودهنرمند

محمدرضا راسخ در طول مدت فعالیت خود با مربیان بسیاری کارکرد ازجمله علی اکبرجمشیدی ،عباس راسخ ،عبدالصاحب نیکویی ،غلامحسین ماهیانه،احمداحمدی وخودرا وام دار این عزیزان میداند.

ورزش کازرون بخود می بالد که در طول حیات خود این چنین بزرگانی را پرورش داده که هم در بعد فنی وهم در بعد اخلاقی سرآمد بودند.نام ویاد محمدرضا راسخ تا ابددر دل دوستداران ورزش پرافتخار کازرون زنده خواهدماند.

در آموزش و پرورش کازرون صورت گرفت:
تقدیر از پیشکسوتان زورخانه مولای متقیان

در صبحگاه اداری آموزش و پرورش کازرون سه تن از پیشکسوتان هیأت ورزش های باستانی زورخانه مولای متقیان(ع) مورد تقدیر قرار گرفتند. به گزارش روابط عمومی مدیریت آموزش و پرورش کازرون، به جهت تعامل و همکاری که عوامل زورخانه مولای متقیان در برگزاری مسابقه شاهنامه خوانی دانش آموزی با این مدیریت داشتند، با حضور همکاران اداری از عبدالرحیم رحیم زاده،محمدجواد ایمانی و کرامت ا.. بحرانی، سه تن از پیشکسوتان این زورخانه، با اهدای لوح سپاس و هدیه تقدیر شد.

مرتضی دیانتی نسب، مدیر آموزش و پرورش کازرون، در این مراسم با اشاره به اینکه بخشی از مشتری های زورخانه دانش آموزان هستند خواستار تعامل بیشتر بین آموزش و پرورش و زورخانه شد، تا به این طریق بتوان روح پهلوانی و جوانمردی را بیش از پیش به نسل نوجوان و جوان جامعه انتقال داد.

در ادامه مدیر آموزش و پرورش کازرون اظهار امیدواری کرد که با راهنمایی های مرشدین و اهالی زورخانه و مساعدت خیرین در آینده بتوان فضایی برای زورخانه دانش آموزی راه اندازی کرد.

همچنین پیشکسوتان این زورخانه ضمن ستایش اجرای برنامه شاهنامه‌خوانی و بازخوردهای آن در سطح جامعه، عنوان داشتند که برای جذب بیشتر دانش آموزان به این مکان ورزشی حدود پانصد میلیون ریال هزینه صرف خرید لوازم و تجهیز زورخانه مولای متقیان نموده اند تا در تابستان بتوانند پذیرای دانش آموزان باشند و بخشی از اوقات فراغت آنان را پر کنند. شایان ذکر است مسابقه شاهنامه خوانی اسفندماه ۹۲ با هدف احیا و ترویج سنت ها و آداب ارزشمند و کهن ایرانی در حوزه فرهنگ و ادب با حضور دانش آموزان دختر و پسر در زورخانه مولای متقیان برگزار گردید.

فرماندار کازرون مطرح کرد:
تشکیل شورای ورزش گام مهمی در توسعه ورزش کازرون است

حمیدرضا گرامی در گفت وگو با روابط عمومی فرمانداری شهرستان کازرون اظهار کرد:شهرستان کازرون شهرستان کازرون با دارا بودن بیش از ۳۵ هیبت ورزشی ثبت شده و ۱۱۰۰۰ ورزشکار فعال رشته های مختلف در زمینه ورزش از استعدادهای خوبی برخوردار است.

فرماندار کازرون از تشکیل شورای ورزش شهرستان کازرون در آینده نزدیک خبر داد وتصریح کرد:به منظور ارتقا سطح ورزش شهرستان ازظرفیت دستگاه های ذی ربطی که می توانند در امر تأمین برخی نیازها ما را با ارائه طرح های ورزشی مدون کمک کنند استفاده خواهیم کرد.

نماینده عالی دولت در کازرون گفت:تشکیل شورای ورزش شهرستان گام مهمی درهدفمند شدن وجلوگیری از موازی کاری فعالیت ها ی ورزشی کازرون است واین امر را نوید بخش یک کار مورد پسند جوانان می بینیم که می تواند توسعه ورزش را مدون تر وبا برنامه‌ریزی بهتر پیش ببرد.

گرامی افزود: در شهرستان کازرون ،جوان های بسیار مستعد وعلاقه‌مند ورزش هستند که بایستی با بستر سازی مناسب از این استعدادها به صورت مفید ودر مسیر توسعه ورزش جامعه استفاده کنیم.

وی ازهیئت های ورزشی به عنوان بازوان توانمند وبدنه اصلی ورزش شهرستان کازرون نام برد وخاطر نشان کرد:هیئت های ورزشی نقش مهمی در تشکیل شورای ورزش برعهده خواهند داشت که با دسته‌بندی نیازمندی‌ها ومطالبات خود می توانند نقشه راه شورای ورزش را ترسیم کنند. فرماندار کازرون اظهار کرد: تجمیع آمار وشناسنامه امکانات ورزشی دولتی و خصوصی موجود در شهرستان اعم از پروژه‌های قابل بهره‌برداری و نیمه تمام و در حال تکمیل در تمامی ادارات، سازمان‌ها ونهادهای موجود در بخش مرکزی ودیگر بخش ها ی شهرستان به تفکیک رشته ورزشی ازجمله وظایف شورای ورزش است.

وی با بیان این که دبیرخانه این شورا در محل اداره ورزش و جوانان شهرستان کازرون وجود داشته و زیرنظررئیس این اداره تشکیل می‌شود گفت: هدایت و نظارت بر عملکرد دبیرخانه، تعیین دستوروبرنامه‌ریزی برای تشکیل جلسات شورا ازاهم وظایف دبیر شورای ورزش است. گرامی فعال‌سازی و نظارت برعملکرد کمیته‌ها ی تحت پوشش شورای تربیت بدنی شهرستان وارائه گزارش فعالیت‌ها درجلسات شورا را از دیگر وظایف این دبیرخانه عنوان کرد. فرماندار کازرون گفت: امیدواریم با اتخاذ تدابیرلازم زمینه بهره‌مندی ورزش کازرون ازسیاست ها وبرنامه‌های راهبردی و نوین فراهم و بر موانع و مشکلات ورزش در کازرون غلبه شود.